

### درباب نزاع

بیست و پنجم اپریل تراکمه جعفربائی ہشتاد نفر از اتابائی چپاول می نمایند. ایشان تقاص کرده جعفربائی را اسیر کرده، یک نفر اسیر از اولاد عثمان و از سلسله شیخ بوده ترکمان اتابائی را تیر کرده مقتول [ساخته]، اسب او را سوار شده بدمترش رفت. سه روز دیگر عده [ای] پیرمردان اتابائی آمده چون قاتل اولاد عثمان بوده صاحبان خون گذشت نمودند.

### درباب تجارت

راه دریا باز شده است. تجار استرآباد بفریاد تجارت گموش تپه با لتکا و نساو مال التجاره زیادی از قبیل جو و گندم و آرد و گشته باز ۲۶۸ و بادام و گردو حمل بدروسید می نمایند. با اجناس روسی و متفرقه بدقیمت سهلی معاوضه [می کنند]. در این هفته عده کثیری بدسمت حاج ترخان عزیمت نموده اند.

### درباب دعوت

شب بیست و هفتم شعبان جشن احمدشاه که قونسول دعوت داشته اظهار می دارد شصت نفر از محترمین روسید برای جشن سال اول دولت بالشویکی بداسترآباد خواهند آمد. از روز بیست و نهم اپریل مشغول تهیه [بوده] و اهالی استرآباد فردا فرن از تجار و کسبه و اعیان دعوت نامه فرستاده از شب دویم ما می تا آخر ماه همه شب اهالی قونسالخانه حاضر ۲۶۹ شده همه نوع پذیرائی ۲۷۰ خواهند شد و ضمناً ۲۷۱ [بدعرض] می رساند که مردم را بداین عنوان تحیب کرده مبلغ می باشند و دعوت بدفرقه بالشویکی [می نمایند].

## نمره ۱۵

۱۵ ماه می ۱۹۲۲

### درباب ورود

دویم ماه می کانال مجددخان بایکصد و پنجاه نفر قزاق پیاده از رود شاهرود وارد استرآباد شدند.

### درباب قتل

حسین خان طایفه قاجار برای سرقت یک رأس اسب بدطایفه جعفربائی می رود که

۲۶۸ - (=خشکه بار)، کشته بار.

۲۶۹ - اصل: حاضر (همه جا).

۲۷۰ - اصل: پذیرائی (همه جا).

۲۷۱ - اصل: ظمناً (در همه موارد).

مال مسروقه خود را بگیرد. تراکمه خصوصیت کرده تفنگ اورا به عنوان تماشا گرفته به واسطه خصومت سابقه اورا مقتول [ساخته] تفنگ را گرفته نعش را عودت دادند.

### درباب دعوت

به عرض رسانیده قونسول روس چون عده زیادی از بالشویکهای بندر جز و بادکوبه را برای عید ملی خودشان دعوت کرده بودند و خیال داشتند يك ماهه ماه مبارك را در قونساخته تشکیل کافه [ای] داشته باشند که تبلیغ نمایند، به سبب نیامدن مدعوین و مسافرین خودشان لهذا کافه برهم خورده، به قریب یکصد و پنجاه نفر اهالی استرآبادی و اجزاء ادارات و اداره قشونی و غیره از بعد از ظهر تا ساعت هفت از شب مشغول عیش و نواختن موزیک و رقص خانمهای روسی و استعمال مشروبات زیادی بودند. تاچه اقتضا کند.

### درباب چپاول

هشتم ماه مذکور تراکمه قرقچی سه نفر آدم با سدراس مال که متعلق به اهالی شهر بوده چپاول می نمایند. دو نفر را بیست تومان وجه گرفته برای حکومت تعارف فرستادند. يك نفر دیگر را در اترک برده پنجاه تومان مطالبه دارند. تاچه اقتضا کند.

### درباب ورود

ایوب خان میرپنج قزاق از طرف وزیر جنگ بدریاست خالصه استرآباد نهم ماه می وارد گردیدند.

### درباب چپاول

روز دوازدهم ماه مذکور خبر رسید يك عده مکاری میقانی از راه کتول زرین گل کتول تنباکو و بعضی اشیاء متفرقه حمل کرده بودند تراکمه داز بسخو داشته در صحرای قزلق جنگ سختی می نمایند. سه نفر مکاری مقتول شده مال و اجناس را بکای غارت کردند.

### درباب چپاول

ایضاً تراکمه جعفر بائی نیم فرسخی مغربی بسخو داشته، دو نفر رعیت گلوگاهی با يك نفر استرآبادی که سه بار آب نبات و شکر قرمز حمل داشته چپاول کرده، يك نفر استرآبادی را رها نموده گلوگاهی را می برند.

### درباب تراکمه

شب پانزدهم می تراکمه اتابائی ساعت هفت از شب داخل شهر شده گوسفندی را چپاول نمایند. سید مهدی باغبان سحر [ی] خورده که روزه بگیرد. برای محافظت وارد

پاغ شده اورا تیرزده اداره قشونی مخبر شده برای معالجه.

## نمره ۱۶

۲۲ ما می ۱۹۲۲

### در باب قتل

پانزدهم ماه می یک نفر سوداگری از طایفه داز یک پوط روغن، هیجده قران وجه نقد داشته به شهر می آمد، دو نفر ترکمان طایفه آق زیر حد قریه فوجرد یک فرسخی مشرقی سوداگر را به قتل رسانیده، روغن و پول را می برند. خبر به شهر رسید، به فاصله سه یوم چند نفر تفنگچی رفته نعش را از توی نیزار پیدا کرده آوردند.

### در باب ورود

شانزدهم ماه مذکور خبر رسید یک نفر بلجیکی به ریاست گمرکخانه بندر جز وارد [شده] رئیس سابق به طهران رفت

### در باب ورود

ایضاً فرقه آرامنه که سابقاً در بندر جز دکان و مغازه ۲۷۲ داشته در موقع جنگ و اغتشاش بندر جز متواری شده بودند حال عموماً مراجعت نموده کمافی السابق مشغول به کسب خود می باشند. چندی است پنبه ترقی جزئی کرده است. هفت پانزده تومان با قند و نطف معاوضه می نمایند ۲۷۳.

### در باب خبر

شب هیجدهم ماه می تلگرافاً خبر رسید مشیرالدوله رئیس الوزراء مستعفی شده و کابینه منحل، از قرار مذاکره عقیده روسها به تغییر رضاخان وزیر جنگ است و باطناً سپهسالار تین کابنی ۲۷۴ به سبب دوستی با روسها محرك است. تاچه اقتضا کند.

### در باب ایلخانی

عباس خان امیر پنجه [را] ریاست وزراء پیشنهاد کرده است میرزا علی اکبر خان نائینی [را] که سابقاً منشی بانک استقراضی و چندی مستخدم قونسلخانه استرآباد بوده برای حکومت گنبد قابوس کاندید نموده و ماهی دو یست تومان حقوق. روز نوزدهم ماه مذکور

۲۷۲- اصل: مقاضا.

۲۷۳- جمله به همین ترتیب است.

۲۷۴- (= تنکابنی).

بداتفاق ایلخانی حرکت کرده رفتند.

### درباب حکومت

معظم‌الیه اغتشاش سرحدی را که تراکمه شرارت نموده و مردم را می‌چاپند از ناحیه رؤسای استرآباد تصور نموده به وزارت جنگ شکایت می‌کند. وزیر جنگ جواب می‌دهد اشخاص محرك را فوراً تبعید نمایند. حکومت در این باب مشورت کرده رأی دادند چهار نفر محرك را احضار [و] محافظت سرحدی را به عهده ایشان واگذار نمایند. مدت يك ماه هر آینه صادقانه خدمت به دولت نمودند فبها والا ایشان را تبعید نمایند. اسامی آنها سردار اشرف، وکیل‌التجار، امیرامجد، ایلخانی [ست].

### درباب وجه

علت تعویق حقوق حکومتی و قشونی اسباب نگرانی واصل شده، بیست و یکم ماه می خبر تلگرافی رسید عایدات گمرکخانه بندر جز و استرآباد و عایدی نواقل و مستغلات ۲۷۵ و خالصه‌جات در تحت نظر وزارت جنگ است که باید به اقساط برسانند.

## نمره ۱۷۵

۲۹ ماه می ۱۹۲۲

### درباب خبر رسمی

اداره «وین‌اشترکها» از بندر جز به توسط قونسول رسماً به کارگزاری استرآباد می‌نویسند که شما قدغن کنید تجار ایرانی به روسیه نروند و مال‌التجاره خود را در بندر جز آورده معاوضه باقند و نطف نمایند. هر آینه از طرف دولت ایران قدغن نشود ما حکم می‌کنیم مال‌التجاره ایرانی را کلیه در دریا ضبط و توقیف نمایند. کار گزار در جواب می‌نویسد کسب اطلاع از مرکز باید نمود، لکن در این چند روزه هم تاجر استرآبادی بداتفاق تراکمه گموش‌تپه جو و گندم زیادی بالتکا حمل به حاجی ترخان کرده‌اند و با اجناس معاوضه [می‌کنند] و منافع کالی می‌برند. به واسطه ترقی جو خرواری سی تومان می‌خرند و جو امساله که به دست نیامده است. باری سی تومان به میل می‌دهند. تا چه اقتضا کند.

### درباب چپاول

بیست و پنجم ماه می خبر رسید يك عده رعایای کرد محله به جعفر بائی چپاول می‌روند. دو نفر ترکمان را به قتل رسانیده، دو نفر زنده با چهل و هفت گامیش چپاول نموده آوردند

### درباب قتل

ایضاً صبح بیست و هشتم یک نفر ترکمان را جنب حصار شهر شترمی چرانیده، آقا رسول نام زنگی محله [ای] او را به قتل رسانیده تفنگ پنج تیره را می برند.

### درباب قتل

بیست و هشتم ماه مذکور شش نفر ترکمان قرچی در کریم آباد نیم فرسخی شمالی رفته عسکر نام کدخدا را به قتل رسانیده تفنگ او را بردند.

### درباب آژان پست شهر

به سبب شرارت تراکمه که همه شب توی شهر آمده دزدی می نمایند حکومت امر کرده رئیس نظمی در معابر و جنب حصار شهر اداره ژاندارم پست بگذارند. چند نفر ترکمانها برای داد و ستد در بازار آمده بودند و صبح زود مراجعت به صحرامی کردند. یک نفر آژان پست را تیرزده مقتول [ساخته] و تفنگ او را گرفته بردند.

### درباب غارت

بیست و هشتم ماه می تراکمه اتابائی دونفر رعیت را نیم فرسخی شرقی لخت [کرده] لباس و جزئی وجه [را که] داشته بردند.

### درباب حکومت

به توسط کربلائی علی اکبرخان سرهنگ چند طغرا حکم ریش سفیدان و رؤسای طایفه اتابائی نوشته اند، سی نفر سوار به ماهی دوازده تومان حقوق و دونفر صاحب منصب ماهی سی تومان احضار کرده است. ترکمانها اعتنائی نکرده و نیامده اند. شب و روز در فکر شرارت و دستبرد می باشند.

## نمره ۱۸۵

۹ ما جون ۱۹۲۲

### درباب بالشویکها

سلخ ماه می خبر رسید پنج پراخوت از طرف بالشویکها وارد بندر جز شده نمایش می دهند. سه نفر ترکمان ساکن حسینقلی تبعه روس که سه نفر بالشویک را به قتل رسانیده [اند] فراراً به گموش تپه پناه آورده اند. بالشویکها قاتلین را از تراکمه گموش تپه مطالبه دارند. وزیر جنگ اطلاع می دهد و ورود چند پراخوت در بندر جز باعث خیال اهالی نشود. بالشویکها دوستانه آمده اند و قاتل خود را می خواهند. چند روزی توقف نموده قاتلها

به دست نیامده مراجعت به کراسنودسکی نمودند.

### درباب وجه

دویم ماه جون د [ه] هزار تومان وجه بدحواله تلگرافی برای حکومت استرپاد رسیده. فوراً خوانین اتابائی و جعفربائی را احضار می نماید. هشتاد نفر سوار ماهی شاترده تومان، دونفر رئیس ماهی پنجاه تومان و دونفر خان طایفه ماهی صد تومان حقوق یک ماهه به آنها داده رفتند. بیست نفر سوار اتابائی و یک نفر رئیس ماهی پنجاه تومان و دونفر یوزباشی ماهی سی تومان حقوق یک ماهه را مساعده گرفته پست خط شمال را به ایشان واگذار نموده محافظت نمایند. تا چه اقتضا کند.

### درباب چپاول

هفتم ماه جون خبر رسید سی نفر پیاده جعفربائی در چمن ساور بسخو داشته چهل رأس قاطر قند و شکر از راه بارکلاه حمل بندر جز می کردند، چپاول می نمایند. [از] مکاری [ها] یک نفر فرار کرده بدکردمحله خبر می دهد. عده ای از اهالی کردمحله جلوگیری از ترکمانهای یاغی و تصادف می کنند. یک ساعت جنگ کرده دونفر ترکمان مقتول [شده] و سدرأس قاطر را بادونفر مقتول ترکمان بدکردمحله می برند. تراکمه برای نعشهای خودشان نا علاج مانده مالهای مکاری [را] در شهر خدمت حکومت فرستاده تسلیم نمودند و امر شد نعشهای تراکمه را مسترد نمودند. تا چه اقتضا کند.

## نمره ۱۹

۱۵ ما جون ۱۹۲۲

### درباب بالشویکها

صد نفر تراکمه ساکن حسینقلی وچکشلر که قاتل سه نفر بالشویک بوده و فراراً به گموش تپه آمده پناهنده شده اند، هفته قبل راپنج پراخوت نظامیان روسی وارد عشوراده شده نمایش می دهند به عنوان گرفتن سه نفر ترکمان قاتل. اهالی گموش تپه ابداً اعتنائی نکرده قاتلین را ندادند. لکن پراخوتهای مزبور موقتاً مراجعت به کراسنودسکی نموده اند. در عشوراده یک نفر اگنطامعین کرده و چند نفر هم اجزاء دارند. برای ورود پراخوت تجارتي و حمل و نقل نفت می باشند. نظامی تاکنون در آنجا نداشته اند و قونسول روس که شخصاً منشویک است و خانمش روسیه رفته است دوازدهم ماه جون به عنوان سرکشی توابع بندر و عشوراده وقراسو رفته اند. تا چه شود.

### درباب تجارت

بالشویکها تجارتخانه [ای] در بندر جز مفتوح نموده اند که رشته تجارت را به توسط

مجیداف تاجر بادکوبه [ای] در استرآباد، وصل به خط خراسان نموده‌اند و حمل نطف می‌نمایند، لکن عقیده جذب قلوب است و مردم ایرانی را تبلیغ می‌نمایند. قونسول روس هم به خوانین و رؤسای یدوت بی‌اندازه مهربانی [می‌نماید]. ماهانه بعضی را به عنوان موجب پول گزافی می‌دهند. لکن ترکمانها چون جنساً بالشویک می‌باشند چاپیدن و غارت کردن شیوه مرضیه آباء و اجدادی آنها می‌باشد، با حال مزبور تعصب نمی‌گذارد زیر بار عقیده بالشویکها بروند و نخواهند رفت. تاچه شود.

### در باب حکومت

عباس خان میرپنجه را وزیر جنگ از غره حمل به حکومت استرآباد فرستاده است. آدم مغرض ۲۷۶ و کارنادان [اس] ت. در این سه ماهه اتصالاً تراکمه مشغول ساخت و تاز [اندو] در این هفته ده هزار تومان پولی برای حکومت رسیده برای جلوگیری تراکمه اظهار مهربانی نموده است. هشتاد سوار از جعفر بائی ماهی شاترده تومان موجب [دارد]، بیست نفر از اتابائی و بیست نفر از طایفه داز. به قرب دو هزار و پانصد تومان وجه نقدی را بدتر کمانها داده، در ضمن یک نفر محمد حسین نام دزد [را] در جعفر بائی منزل داشت ترکمانها گرفته مغلولاً برای حکومت آوردند. حسب الامر در قیصریه به دارش کشیدند. بیست و چهار ساعت روی دار بوده حکمی نوشته اعلان به عموم مردم پهلوی دار نصب کردند هر کس شرارت و دزدی نماید به این نحو مجازات و کیفر خواهد شد. مرکب اعلان خشک نشده بود به سبب قتل محمد حسین نام نفس سردار سی نفر سوار فرستاده دوزن و یک مرد از قریه کلاه جان دو فرسخی مغربی می‌برند.

### در باب سرقت

ایضاً خبر رسید تراکمه ایلغی شب چهاردهم ماه مذکور به قریه سرخونکلاته می‌روند. یک نفر دامغانی را مقتول [ساخته]، چهار مال و شش رأس گاو و یک نفر رعیت را از بیرون قریه دستگیر نموده بردند.

## نمره ۲۵۵

۲۶ ماه جون ۱۹۲۲

### در باب قشون

عده مزبوره که عنوان قشون محسوب و موسوم شده‌اند هر یک از افراد آنها پنج ماهه حقوق طلبکارند و تمام عده از مازندران با خود عیال آورده مبالغی در شهر مقروض می‌باشند. هیجدهم ماه جون تلگرافاً وزیر جنگ امر نموده‌اند عده مزبوره عودت به

مازندران نمایند. از قرار مذکور بین خوانین سوادکوهی باوزیر جنگ عداوت سابقه می‌باشد. چندی قبل را پسرهای امیر مؤید یک‌عده از قزاق را خلع سلاح نموده بودند و حالیه وضع مازندران برای یاغی‌بودن سوادکوهیها اغتشاش خیلی دارد. قرار بود یک‌قشونی را روانه نمایند. برای پریشانی و قروض عده بداهالی شهر موقوف شده و ضمناً منتظر مکاری هستند که عیالات قشونی را حمل به مازندران نمایند. تاچه اقتضا کند.

### درباب اسیر

به عرض رفته بود نفس سردار دونفر زن بایک مرد را اسیر کرده است. از قرار مذکور به تحریک سردار اشرف و آقاهادی بوده. روز بیستم ماه جون حکومت خوانین را احضار نموده اسیرها را مطالبه می‌نماید. هر یک به‌عذری غیر موجه اوامر حکومت را رد می‌نمایند. معظم‌الید متغیر گردیده به امیرامجد و آقاعلی‌خان تغیر زیادی و فحاشی می‌نماید. روز بیست و دویم ماه مذکور خوانین به‌قرینه‌نودیجه می‌روند. آقاهادی را به صحرا فرستاده اسیرها را از نفس سردار گرفته آوردند. تاچه اقتضا کند.

### درباب وکیل التجار

حاج شیخ حسین وکیل استرآباد سال قبل مراجعت نموده‌است. تا به حال در استرآباد توقف داشته شب و روز مشغول آشوب و انقلاب [بوده] و اهالی استرآباد را بدفرقه جمهوریت دعوت می‌نمایند.

## نمره ۲۱۵

۳ ماه جولای ۱۹۲۲ - ۱۲ سرطان

### درباب خبر

دونفر تاجر بالشویکی چند روز قبل وارد گموش‌تپه [شده] دکانی مفتوح [کرده] و مال‌التجاره از قبیل قند و تخته نرات و ظروف فوق‌العاده آورده می‌فروختند، محرمانه به‌توسط اهالی گموش‌تپه مشغول خریدن آذوقه [بودند]. از قرار مذکور یکمدهزار تومان پول و مال‌التجاره آورده بودند که آذوقه بخرند. هر باری هم دو تومان به‌دلال می‌دادند. مطالب را حکومت و کارگزار استرآباد به‌طهران راپرت می‌دهند. قدغن‌سخت کردند آذوقه‌حمل به‌روسیه‌نشود. تاجر گموش‌تپه وقضات از دحام کرده اثابیه‌کان بالشویکیها را غارت کردند. خبر به‌قونسول روس دادند. قونسول به گموش‌تپه می‌رود و مطالبه اموال منهوبه را می‌نماید. جواب دادند دزد متفرقه در گموش‌تپه زیاد است ما ابدآ خبری نداریم و قدری هم به‌قونسول پر خاش کرده بودند. معزی‌الیه مراجعت به‌شهر نموده بعد از دوسه شب چهارنفر رؤسای گموش‌تپه تخته‌های نرات را تقسیم کرده می‌فروشنند. تاچه اقتضا کند.



### درباب کثرت زائرین کربلا

چون خاک عراق و بین‌النهرین در تصرف دولت بریطانیا می‌باشد اهالی ایران برای سهولت و امنیت طرق و شوارع کمال تشکر را از گماشتگان دولت فخمیه قونسلاخانه‌های خط عراق عرب دارند. از استرآباد سیصد نفر زن و مرد متجاوز برای زیارت عتبات ۲۷۷ عالیات حرکت کرده و من بعد هم خواهند رفت.

### درباب خبر

اولاً «وین‌اشترک» از طرف بالشویکها در بندر جز تجارتخانه منتوح و مأمور سیاسی می‌باشند. صد هزار تومان بالشویکها بدها و اعتبار داده بودند که در ضمن ۲۷۸ خرید آذوقه نمایند. اولاً چند قبضه تفنگ و سی‌دانه نارنجک و بمب ۲۷۹ تهیه نموده بودند. خرید آذوقه کرده به قیمت گراف با دولت بالشویکی محسوب می‌نمودند. غره ماه جولای يك پراخوت وارد بندر جز گردیده که مأمور سیاسی را تحت‌الحفظ بدروسیه ببرند. جواب می‌دهد من رعیت ایران هستم اطاعت نمی‌کند. کار گزار بندر جز از بالشویکها جاوگیری نموده تلگرافاً به حکومت راپرت می‌دهند. حکومت محمدحسین خان سرتیپ رئیس قشون [را] برای کسب اطلاعات و جلوگیری بالشویکها بندر جز روانه [کرده] صبح دویم ماه جولای رفتند. الیوم که سیم ماه مذکور است حکومت با کار گزار در تلگرافخانه رفته با طهران حضوراً مذاکره [می‌کنند] و دستور العمل می‌خواهند. تاچه اقتضا کند. (راپرت ملاحسین مقدس است... ۲۸۰ بنده بوده در موقع زیارت حضرت ثامن الائمه).

### نمره ۲۲

#### مخابرات استرآباد

#### درباب اجل معلق است

چهارم ماه جولای خبر رسید در قریه محمدآباد يك فرسخی شمالی در سرباغ فالیر شخصی با تفنگ پنج تیره خود کاوش می‌کرد تفنگ فشنگ داشته غفلتاً خالی شده مقابل آن يك بچه به سن چهارده سالگی گلوله سرش را داغان کرده فوت شد. به حکومت وقت راپرت دادند چنین قضیه [ای] در محمدآباد رخ داده است. مأموری ار طرف حکومت به قریه مذکور می‌رود. پدر طفل را با قاتل در حکومت حاضر کرده و خیال جریمه گزافی از آدم مفلس داشتند. چون بچه مقتول با قاتل قرابت داشته در حضور حکومت از خون

۲۷۷- اصل: اطبات.

۲۷۸- اصل: ظمن.

۲۷۹- اصل: بم.

۲۸۰- يك كلمه ناخوانا. شاید: وکیل.

خودشان اغماض کرده [اند]. با این حال حکومت بیست تومان از رعیت پریشان جریمه گرفته مرخص نمودند. تاجه شود.

### درباب قراسوران

حکومت، قراسورانی که از یموت یا ولایت گرفته بودند هر روزه این بیچاره‌ها برای سان دادن حاضر شده وعده واجب رامی‌دهند. همه هفته می‌گویند از طهران موجب شماها می‌رسد خدمت می‌کنم. یک مرتبه دیگر حاضر شده سان بدهند حقوق بگیرند. باز هم طفره داده گفتند انشاءالله موجب شماها را از طهران خواستام، وقتی که رسید می‌دهم. تماماً عرض کردند ماهانه چنین موجب رامی‌خواهیم نه نوکری می‌کنیم. جواب کردند، مگر دوسه نفر از ضعفا که مجبورند. باقی استعفا داده رفتند. حال این بیچاره نمی‌داند باسی نفر قزاق جدیدی که دارد جواب قراولی خودش را بگویند با قراسوران راه باشند.

### درباب خبر

یک نفر شهری در طایفه جعفربائی ساکن بوده حکومت او را احضار کرده برای هرزگی و شرارت حبس نمودند.

## نمره ۲۳

### مخابرات استرآباد

### درباب خبر

۱۸ ماه ذی‌قعدة ایضاً یک عده زوار حرکت به سمت کربلای معلی نموده زن و مرد زیاده یکصد نفر می‌شدند.

### درباب چاول

ایضاً یک نفر فلاحی مقارن غروب به شهر می‌آمد درب دروازه فوجرد دونفرتر کمان قراسوران حکومت مراجعت به صحرا می‌کردند. شخص فلاح را لخت [کرده] مال آن را با خودش می‌برند. کسان مشارالیه به حکومت عارض شده چند نفر آدم فرستاده فلاح را عودت داده مال و اجناس را نگاه داشته مطالبه حقوق دارند. نفسی راحت کشیده، همان قراسورانهای طایفه آق‌دونفر گاه‌کش را نزدیکی فوجرد لخت [کرده] مال آنها را بردند. چون برای دادن مال تسامح داشته باقنداق تفنگ سر آنها شکسته مراجعت به شهر نمودند. خدمت حکومت رفته ماجرای خود را عرضه داشتند. تغیر زیادی به آنها نموده که چرا شما به آنجا رفته بودید. امر نموده کدخدای قریه فوجرد را با دونفر دیگر در شهر آورده غرامت مالها را بدهند. کدخدایان در شهر آمده چون قریه خالصه بوده رئیس خالصه فرستاده

به حکومت می گوید ترکمان مال مردم را می برد و ربطی به اهالی فوجرد ندارد. رعیت چه تقصیری دارد. تاچه اقتضا کند.

### درباب خبر

چندی قبل را ۲۸۱۱، بین مهدی شاه ایلخانی و رعایای ابری که جزو خاک شاهرود می باشند برای باج مراتع گوسفند در سرسامان تراغ سختی می شود. کفیل حکومت شاهرود عده اجزاء خود را با تفنگ های قراضه می فرستد. عده ای هم از فندرسک با اسلحه می آیند جلوگیری می نمایند. به طهران شکایت می شود. به حکومت استرآباد امر شد که بین را اصلاح نمایند. عده ای از استرآباد به اتفاق سردار اشرف به ابر رفتند رفع خصومت نموده اصلاح کردند.

### نمره ۲۴۵

#### مخابرات استرآباد

### درباب خبر

ایضاً خبر رسید به قرب یکصد نفر سوار متفرقه جمع شده می روند به قریه علی آباد دوفرسخی مشرقی یک بلوک را چپاول و با اهالی قریه یک ساعتی جنگ نموده ثمری نبخشید. گاوها را بردند. رعایا به شهر آمده خدمت حکومت تظلم کرده جواب مسکت به آنها نداده مجبور گردیده رفتند. بر حسب معمول به اتفاق ساخلو دو بیست تومان وجه برده گاوها را خریده آوردند. لکن ده رأس گاو مرغوبی را تراکمه به صاحبانش ندادند. این است وضع استرآباد.

### درباب برنج

چند روزی است برنج ترقی کرده است. علت حمل برنج به بادکوبه می باشد که ترکمانهای جعفربائی خریداری کرده جهت بالشویکها می برند. حسب الامر حکومت هم در بازار جار کشیدند، احدی از اهالی شهر تراکمه را از حمل برنج مانع نشده، زیرا ادارات داخله امر کرده است و اجازه داده اند که برنج برای بالشویکها ببرند. تاچه اقتضا کند.

### درباب خبر

ایضاً خبر رسید عده ای از تراکمه شب رامی روند به سرباغ فالیز در قریه کریم آباد نیم فرسخی شمالی. مستحفظین باغ از ترس فرار کرده ترکمانها اثاثیه و چند بار خر بزمه

۲۸۱- این نوع عبارت در این کتاب چند جا دیده می شود و برای حفظ اصالت نویسنده گلی نویسنده حفظ شد.

حمل به صحرا می نمایند.

## نمره ۲۵۵

مخابرات استرآباد - ۱۵ ذیحجه

### در باب قشونی

پس از حرکت عده ژاندارم از استرآباد به قرب پنجاه شصت نفر قزاق برای محافظت ادارات وارد نمودند. عباس خان امیر پنجه برای شرارت تراکمه خیلی متوحش است. هر آینه عده نظامی نرسد عمأقرب از حکومت مستعفی خواهند شد، لابد گردیده بیست نفر از ترکمان به عنوان قزاقی در شهر آورده و ماهی سه هزار تومان به آنها داده فقط محافظت دیوانخانه را بنمایند. شب و روز هم طایفه جعفربائی و اتابائی تاخت و تاز دارند. تاجه شود.

### در باب سرقت

شب قبل را چند نفر دزد یموتی به قریه اجابن رفته که يك فرسخی شمال مغربی می باشد، چهار پنج رأس ورزا گاو سرقت کرده بردند. صبحی صاحبان گاو به صحرا رفته گاوهارا ده تومان خریده آوردند.

## نمره ۲۶۵

۲۵ ذیحجه ۱۳۴۵

### در باب روسها

چند روز قبل از طرف نایب قونسول بالشویکی سه چهار نفر به گموش تپه رفته تراکمه [را] محرك [شده] در ضمن ۲۸۲ اظهار داشته در شهر باشپرد ۲۸۲ بگیرید. چون تراکمه کلیه مال التجاره را به طور قاچاق وارد می نمایند، لهذا به گرفتن تذکره راضی نخواهند شد. سید محمدخان پیر مرد گموش تپه [ای] به آنها تغییر کرده و به شهر آمده است که مطالب را به حکومت اطلاع بدهد، جلوگیری از روسها بشود [که] این گونه مذاکرات را با تجار جعفربائی نمایند. عباس خان امیر پنجه هم به عنوان بیلاق به زیارت خاصه رود رفته است. سید محمدخان ترکمان هم خدمت حکومت رفته مقصودشان اجازه از

۲۸۲ - اصل: ظمن.

۲۸۳ - (= پاسپورت).

حکومت است که روسهارا از گموش تپه بیرون نمایند.

### در باب خبر

سرکار میر پنجه حکومت استرآباد، از کثرت [آنکه] هوا گرم بوده که تا بد حال چنین حرارتی در استرآباد دیده نشده، بد عنوان بیلاق بد زیارت خاسته رود [رفته] بانایب الحکومه، و چند نفر غلامی که از طایفه یموت گرفته آنها وقت را غنیمت شمرده بامواجب موجودی که گرفته بودند به طرف خانه های خودشان رفته در کمال راحت مشغول به همان دزدیهای معمولی خود هستند تا حکومت مراجعت نماید.

### در باب گرمی هوا

در این سال هوا به شدت گرم [است]. از چهل پنجاه سال قبل تا کنون چنین گرم سخت نشده است. مدت یک ماه ونیم است ابدأ باران نیامده. هر گاه به همین قسم تاده روز دیگر باقی بماند بطور یقین نصف زراعت شاتوک رعیت خراب [می شود] و عمل نخواهد آمد. هر آینه عملی هم [بشود] به واسطه این خشکی عام که سختی کرده حاصل آن باطل خواهد شد. تا چه تقدیر باشد.

## نمره ۲۷۵

### مخبرات استرآباد

#### در باب چپاول

ایضاً چند نفر تراکمه طایفه آق می روند به قریه اترآچال یک فرسخی مشرقی داخل باغ فالیزی می شوند. مستحقظین باغ را گرفته دونفر را با کارد مجروح [ساخته] اثاثیه آنها را بالباسها تماماً بردند.

#### در باب سرقت

شب قبل را دوازده نفر ترکمان طایفه آق در جنوبی دروازه شهر آسیابنی را شکافتند دونفر آسیابان را دستگیر [کرده]، پنج بار آرد با اثاثیه آنها را گرفته می برند. نزدیکی آق قاعه دونفر را رها نمودند.

#### در باب قتل

ایضاً خبر رسید طایفه جعفر بانی به عداوت سابقه یک نفر رعیت کرد محله را به قتل می رسانند.

### درباب سوارها

عده غلامهائی که حکومت از اتابائی گرفته‌اند چون رأس مدت حقوق می‌باشد به شهر آمده‌اند. حقوق يك ماهه خود را از حکومت مطالبه [می‌کنند] و بعد می‌روند. آشکارا مال و مواشی مردم را می‌برند.

### درباب مأمورین

صورت مستخدمین و مأمورین ادارات دولتی هذه السنه از این قرار است:

(بتاریخ شهر محرم الحرام سنه ۱۳۴۱) ۲۸۲

صورت اجزاء قونسولخانه بالشویکی.

قونسول وینر که سابق کمندر ۲۸۵ پراخوت کورسکی بوده با خانمش و منشویک می‌باشد. نایب قونسول — دونفر غلام — محمد مهدی غلام باشی، محمد ولد حسن خان — کاظم ولد رحیم سلطان پیشخدمت — باغبان يك نفر — درشکه‌چی قزاق ۲۸۶.

## نمره ۲۸۵

۲۹ ماه اگست ۱۹۲۲

### درباب خبر

چندی قبل يك نفر عربی که دارای دو بیست و هشتاد لیره ۲۸۷ و يك اسب بوده عازم به زیارت حضرت رضا [بود] و به خراسان می‌رفت در میان دشت بین راه سبزوار و شاهرود هاشم نام قزاق با دونفر دیگر معیت نموده عرب را مقتول [ساخته] اسب و لیره‌ها را می‌برند. خبر به اداره حرب خراسان رسیده يك نفر سلطان با عده [ای] قزاق مأمور تفتیش گردیده با آمدن میان دشت به قرب سیصد قزاق از رعیت جرم گرفته عاقبت الامر هاشم قزاق را دستگیر کرده به اداره قشونی بردند. رئیس ارکان حرب نواب محمد حسین میرزا لیره‌ها را از هاشم نام قزاق گرفته و مشارالیه را مرخص می‌نمایند.

### درباب تجارتخانه

سابقاً به عرض رسانیده اداره «وین اشترك» که شعبه تجارت روسیه در بندر جزو محالات بحر خزر و خراسان [است] دایر شده به توسط مال التجاره با اهالی ایران کسب و معاوضه باگندم وجو می‌نمایند. من جمله اجزاء بندر یکصد و بیست هزار تومان باقی

۲۸۳ — دنباله مطلب را نیاورده است.

۲۸۵ — (= کماندر).

۲۸۶ — دنباله اسامی مأمورین دولتی نوشته نشده، ازین بعد مطالب به خطی دیگرست.

۲۸۷ — اصل، لره.

آورده‌اند. تاکنون کارگزار بندر جز محترماً آنها را پذیرائی کرده تا اجزاء عدلیه و عضو بایک نفر مستنطق از طهران مأمور شده به استرآباد وارد و خانه امین‌الضرب را اجاره نمودند و اجزاء تجارتخانه را که چهار نفر می‌باشند دونفر مرد و دونفر زن در استرآباد آورده‌اند که رسیدگی حساب شود. تاچه اقتضا کند.

### درباب قزاق

عده قزاق و ژاندارم که از استرآباد به مازندران رفته‌اند بعد از چند روزی به واسطه نرسیدن حقوق و گرسنگی بازار ساری را چپاول می‌نمایند که چند روز کسبه ساری از ترس دکاکین را بسته بودند.

### درباب قتل

یک نفر کرده محله [ای] دوفرسخی شمالی یک نفر ترکمان جعفربائی را به قتل رسانیده یابوی آن را می‌برند. تراکمه به حکومت شاکی شده مأموری عباس‌خان میرپنجه به کرده محله می‌فرستد قاتل را دستگیر [کنند]. ضمناً معاون حکومت می‌رود که بین را اصلاح کند. تراکمه اعتنائی نکرده یک نفر کرده محله‌ای را تقاص کرده به قتل رسانیده‌اند تا چه اقتضا کند.

### درباب مالیه

سید عبدالله‌خان که رئیس مالیه استرآباد بوده ماهی سیصد و پنجاه تومان شخصاً حقوق داشت وزارت مالیه او را احضار کرده بیستم ماه اگست عزیمت به طهران نمودند.

### درباب تراکمه

به واسطه نرسیدن وجه برای حکومت نظامی استرآباد ترکمانها تعرض کرده مشغول شرارت [هستند]. در ضمن هم حکومت به لجاجت بادولت چون وجه نمی‌رسد بی‌میل نیست. چنانکه چند هفته است حرکت پست را مانع و رفع مسئولیت از خود و قرا سوران‌ها نموده‌است. شب ۲۶ ماه مذکور که اهالی تکیه‌ها را زینت کرده بعد از صرف شام چند نفری توی تکیه دباغان ۲۸۸ خوابیده‌اند دوازده نفر ترکمان آمده سه نفر آدم را توی تکیه دستگیر کرده سه طاقه‌شال امیری و پرده‌های سیاه‌پوش تکیه را با اجناس و اثاثیه تماماً جمع نموده بردند. تاکنون مدت سه سال است اینگونه اتفاق در استرآباد نیفتاده است. ایضاً چهار نفر از کتول اسیر کرده نفری ده تومان گرفته رها می‌نمایند. ایضاً یک نفر از جلین، دونفر از فوجرد و یک نفر از نوده ملک یک رأس مال سوداگری را از قریه ترنگ تپه برده‌اند و می‌گویند حکومت حقوق ما را بدهد تا شرارت نکنیم.

### درباب حکومت

عباس خان میرپنجه صمدخان گمرکچی را احضار و مطالبه وجه می نمایند. مشارالیه می گوید از رئیس بندر جز دستور نرسیده. متغیرانه چند چوب به صمدخان گمرکچی [زده] و فحاشی به وزارت جنگ و احمدشاه می نمایند. تاچه اقتضا کند.

### نمره ۲۹۵

۶ ماه سپتمبر ۱۹۲۲

### درباب شرارت

عدم کفایت حکومت استرآباد برای نرسیدن پول ترکمانها عمداً به لجاجت حکومت باعث اذیت اهالی شده اند. بیست و نهم ماه اگست چهار نفر علفکش يك فرسخی شمالی رفته سه نفر ترکمان زمان مراجعت جلوگیری می نمایند. يك نفر فرار کرده به قرب سی تیر تفنگ به او می زنند. قدرت پروردگار فقط دست و پای او را گلوله سوزانیده دو مال آنها را می برند.

### درباب اسیرها

حکومت استرآباد صد تومان وجه به توسط کربلائی علی اکبرخان سرهنگ برای ترکمانهای اتابائی فرستاده اسیرها را بیاورند. سه شب در آق دکش توقف [کرده] فعلاً سیزده نفر در آنجا اسیر [هستند]. ترکمانها برای حکومت پیغام داده که هزار تومان حقوق سوار اتابائی را داده اسیرها [را] نجات بدهیم والا حکومت بی پول به درد ما نمی خورد و یا استعفا داده از شهر به سمت قزلق حرکت کرده اسیرها را مجاناً خواهیم آورد. تاچه اقتضا شود.

### درباب پست

پنج هفته پست استرآباد را به تحریک حکومت در پستخانه توقف داده اند. لذا مراجعت عدم پست هم از شاهرود ترکمانها مخبر بوده نیم فرسخی مشرقی تصادف [نموده] چند تیر تفنگ می زنند. غلام پست تفنگچی همراه داشته لذا دستخوش ترکمانها نمی شود. تا چه اقتضا کند.

### درباب ورود مستشارالدوله\*

دولت ایران بادولت بلشویک درباب تعیین سرحدایران و روس مذاکره نموده

\* درین باب مدارکی چند از مرحوم مستشارالدوله صادق که رئیس هیات تحدید حدود مرزی ونماینده عالی دولت بود در دست است که در مجموعه اسناد او به چاپ خواهم رسانید (ا.ا).



تجدید سامان بنمایند. فیروزه که سابقاً در خاک ایران واقع بود و تصرف روسها و متعلق به ایران بوده. مستشارالدوله باعده اجزاء و چادر مختصری از راه مازندران به مأموریت سرحدی حرکت [کرده] غره ماه سپتمبر وارد به استرآباد [شده] در باغ مرحوم عباس خان منزل نمودند. یکصد و پنجاه نفر قزاق هم مأموریت [دارند] که از بار فروش برای... ۲۸۹ و محافظت اردوی مستشارالدوله بفرستند. عده اجزاء آنجا چهل نفر می باشند. ماهی نه هزار تومان حقوق معین شده. پنجاه هزار تومان مخارج بازدید خط مزبور است که از چکشلر بازدید نموده الی خاک خراسان بروند. عجالتاً سه روز مشغول است به تعزیه داری، و ضمناً برای اغتشاش استرآباد مشغول تلگرافات رمز است با طهران [تا] دستوری برسد. اجزاء مخصوص: معزز السلطان معاون ایشان است و ساعدالوزاره میرزا محمدخان ۲۹۰ قونسول بادکوبه، و نفر نوکر، عبدالرزاق خان سرتیپ مهندس ۲۹۱، ده نفر فراش. کموسر روس با دو نفر اجزاء وارد به قونسلخانه به اتفاق مستشارالدوله عازم است. روز ورود به استرآباد تقریب دو بیست نفر از تجار و اعیان شهر با اجزاء ادارات نیم فرسخی استقبال رفته بودند.

### نمره ۳۵۵

۱۶ ماه سپتمبر ۱۹۲۲

#### در باب مأمورین

مستشارالدوله مأمور سیاسی چند نفر از رؤسای جعفربائی را احضار کرده در باغ يك باب چادر با لوازمات به آنها داده مشغول خدمت می باشند. در ضمن ۲۹۲ منتظر ورود مأمورین روس می باشند که باعده قزاق مازندران وارد استرآباد بشوند. قاطرهای به راکه روزی سیصد تومان کرایه می دهند روزها در بیرون شهر برای چرا می برند. دو رأس قاطر را تراکمه سرقت کرده برده اند.

#### در باب شورش

عده آژان استرآباد به چهل نفر رسیده، یازده ماه حقوق به آنها نرسیده از گرسنگی و پریشانی تماماً نشانها را خارج کرده به منزل حاج شیخ حسین پناهنده می شوند. چون سابقاً عده مزبور در تلگرافخانه متحصن شده به دولت شاکی شده بودند لهذا شش هزار تومان وزیر جنگ برای حقوق آژانها حواله می دهد. حکومت وجه را برای حقوق خود و تراکمه محسوب داشته به آژانها نمی دهند و چند نفر آژان باوکسیل را تازیانه

۲۸۹- يك کلمه ناخوانا. ظاهراً: تجلیل.

۲۹۰- مرحوم محمد ساعد که بعدها به وزارت خارجه و ریاست وزراء رسید.

۲۹۱- عبدالرزاق بغایری مهندس صاحب نقشه معروف ایران و معلم مدرسه دارالفنون.

۲۹۲- اصل، ضمن.

زیادی زده و حبس نمودند.

### درباب اسیر

شب نهم ماه سپتمبر تراکمه آق اتابائی يك نفر آدم [را] از جنب حصار شهر [که] مستحفظ شالی بوده می بردند.

### درباب بلوا

برای بردن سه نفر آدم از تکیه شهر بااثاثیه به واسطه بی کفایتی حکومت اهالی بلوا کرده روز دهم سه چهار نفر ترکمانهای جعفربائی را گرو می نمایند. حکومت فرستاده به زبان خوش ترکمانها را خلاص کرده رفتند. برای شرارت طایفه اتابائی اعلانی نوشته در بازار چسبانیده هر جا از تراکمه اتابائی را به دست آوردند تسلیم حکومت نمایند ده تومان انعام خواهند گرفت و ترکمانهایی که مشغول کسب و معیشت بوده برای مسدود شدن دهات و شهر ناچار شده بیست نفر از پیرمردها و کسب ترکمانها به آق دکش بروند و سه نفر اسیر را خریده خدمت حکومت آوردند. چون کربلائی علی اکبرخان رئیس طایفه اتابائی خیانت ورزیده وعده [ای] از تراکمه دلخوش نبودند به حکومت راپرت داده بردن سه نفر اسیر از تکیه به تحریک کربلائی علی اکبرخان بوده، حکومت هشتاد تومان وجه با چند طاقه شال به ترکمانها داده رفتند. مأموری درب منزل مشارالیه گذارده او را جاب کرده مجازات می نمایند.

### درباب قتل

دوازدهم ماه مذکور خبر رسید که يك نفر ترکمان جعفربائی را جنب قریه دنگلان به قتل رسانیده اند دو فرسخی مغربی.

### درباب حکومت

ایضاً برای شرارت تراکمه به وزیر جنگ شاکی شده و استعفا می دهند. معظم الیه جواب می دهد صد نفر قزاق برای مجازات تراکمه بادو عرابه توپ از ساری امر شده است به فوریت رسانیده. تاچه اقتضا کند.

### درباب قتل

شب ۱۴ ماه سپتمبر تراکمه اتابائی به قریه جلین يك فرسخی مشرقی رفته يك نفر مستحفظ شالی را مقتول [ساخته] تفنگ او را بردند.

## نمر ۳۱۵

۲۳ سپتمبر ۱۹۲۲

## درباب ورود

قضیه «وین اشترك»، يك نفر وكيال قانونی از طرف ملت بالشویکی و يك نفر نماینده از طرف دولت جمهوری روسیه برای محاکمات در عدلیه به قونسلاخانه وارد شده باکمال سختی مقصرین را محاکمه می نمایند.

## درباب اسیر

شب ۱۷ ماه سپتمبر تراکمه طایفه آق دونفر اسیر از قریه اتر اچال يك فرسخی مشرقی برده اند بیست تومان وجه گرفته رها نمودند.

## درباب اسیر

هیجدهم ماه مذکور حسین آقافراش بایک نفر صادق نام مقصر حکومتی از قریه ولیک آباد يك فرسخی مشرقی عازم شهر بوده ترکمانها مقصر و مال را گرفته رفتند. حکومت فراش را از حاج محمد صادق ارباب قریه ولیک آباد خواسته، مشارالیه يك خروار شالی برای ترکمانها فرستاده فراش را رها نمودند.

## درباب قونسول

مشارالیه در مجالس حکومت و غیره اظهار می دارد در کربلا و نجف اشرف انگلیسها علماء [و] روحانیون ایران را امر کرده اند از آنجا خارج شده به ایران بیایند. بعضی از مردم سیاست را پولتیکی تصور نموده، برخی از مشروطه طلبان که خود را بادولت سویت روسیه می دانند باقونسول مساعدت بر علیه دولت انگلیس حرفهای بی مدرك و مزخرف می شنوند انتشار می دهند.

## دربا بوین اشترك

قضیه تجارتخانه «وین اشترك» در استرآباد راجع به عدلیه و محاکمات آنها يك سیاست بزرگی را جلوه می دهد. اولاً چند نفر که در تحت استنطاق می باشند هر يك تبعه دولت محسوب می شوند، يك نفر فرانسه است، يك نفر امریکائی است. فون صمصام که سابقاً در استرآباد بوده تبعه آلمان است. چهارمرد و دوزن در تحت استنطاق می باشند. از قرار گفته مدعی نود هزار تومان از قبیل مال التجاره کسر آمده. همه روزه در عدلیه برای محاکمه و کلا یا مقصرین حاضر می شوند. قونسول بارئیس عدلیه ساختگی نموده

است و پولی مشارالیه در محاکمه بدون ملاحظه نیست ۲۹۲. ام‌مقصرین پرخاش می‌نماید. شاهزاده مستنطق به‌رئیس عدلیه گفته‌است شما حق ندارید دخالت نمائید. ساعدالوزار ۲۹۳ قونسول بادکوبه در این امر مأموریت دارند. بعد از چند روز استنطاق مقصرین را آزاد نمودند. لکن قونسول می‌گوید که باید حبس بوده باشند. مستنطق جواب می‌دهد مستوجب حبس نشده‌اند که رأی به حبس آنها بدهم. از طهران هم سفارتخانه‌ها همه روزه به اداره عدلیه تلگراف می‌نمایند. تاچه اقتضا کند.

### در باب خبر

بیست و دویم ماه سپتمبر ترکمانهای اتابائی کاغذی به حکومت نوشته‌اند يك فرسخی شمالی گنبد قابوس شصت نفر بالشویک وارد شده خیال داشتند تراکمه را بچاپند. حاج فارس مشهور که طایفه چاروا و صاحب مواشی زیاد است امر کرده بالشویکها را بیرون نمایند. جنگ نموده چهار پنج نفر از بالشویکها را به قتل رسانیده است و تفنگ آنها را گرفته، باقی فرار کردند. حکومت به اطلاع کارگزار مراتب را به طهران اطلاع داده. تا چه اقتضا کند.

### نمره ۳۲

۱۵ اکتبر ۱۹۲۲

### در باب مستشارالدوله

بیست و چهارم ماه سپتمبر با اجزاء حکومت به سمت زیارت خاسه رود [رفته] سه شب در آنجا توقف کرده، نقشه استرآباد و کوهسار را برداشته مراجعت به شهر نمودند.

### در باب تومانیاس\*

به عرض رسانیده بود سیف‌الملک پسر مرحوم سپهسالار قریه لیوان هشتیکه را در عوض طلب به اداره تومانیاس واگذار نموده. عده [ای] از رعایای روس چندی در چکشر بوده از آنجا به گموش‌تپه آمده بودند. ترکمانها ایشان را غارت نموده لخت و عریان وارد بندر جز می‌شوند. سی‌خانوار آنها را تومانیاس در جف ۲۹۵ قریه لیوان بلوک داده مشغول آبادی قلعه جدیدی می‌باشند و عده [ای] هم [که] در بندر جز سرگردان می‌باشند یا استرآباد آمده بودند در نقطه [ای] مشغول رعیتی و فلاحت می‌باشند. تا

۲۹۳- جمله به همین صورت نوشته شده و ظاهراً ناقص است و می‌خواهد بگوید که قونسول رشوه داده است.

۲۹۴- محمد ساعد. \* معمولاً تومانیاس تلفظ می‌شود.

۲۹۵- کذا، معنی مفهوم نیست. شاید جوف (؟) یا جنب (؟)

چه اقتضا کند.

### درباب اسیر

شب بیست و پنجم ماه مذکور تراکمه یاغی یک نفر آدم با یک تفنگ از قریه اوزینه چپاول کرده [اند].

### درباب سرقت

ایضاً خبر رسید رعایای لمسک یک فرسخی مغربی یک رأس مادیان، سه رأس گاو میش نفس سردار جعفر بائی را سرقت برده اند.

### درباب مسروقه پست

سابقاً به عرض رفته بود یازده هزار تومان خرده وجه لوازمات بستخانه متعلق به تجار استرآبادی را در قزلق مفقود نموده به همان نظریات ابوالقاسم خان معاضد همایون که مسئول خط شاهرود بوده و از بستگان سردار اشرف است، احمد نام که اقرار در گرفتن وجه مزبور می کرد زمان حرکت عده قشونی از استرآباد او را به قتل رسانیده تاکنون به طور سخت وجه را از معاضد همایون مطالبه دارند که به توسط مشارالیه وجه مسروقه پست دستخوش سردار اشرف می باشد. مشغول مذاکره با طهران هستند که حکمی صادر شده وجه را از سردار اشرف بگیرند.

### درباب چپاول

شب غره ماه اکتبر بیست و پنج نفر ترکمان به شهر می آیند که از اداره حکومتی دستبردی نمایند، یا از باغ مستشارالدوله سرقت نمایند. اهالی خبردار شده جلودروازه با ترکمانها تراع [کرده]، پنجاه شصت تیر تفنگ طرفین خالی می نمایند. ترکمانها می روند از دروازه دیگر وارد شده سه نفر باغبان را اسیر کرده بردند.

### درباب جعفر خان امیر مؤید

روز سیم ماه اکتبر بعد از جنگ چهارده کلاته دامغان که عده مقتولین معلوم نیست وارد به چمن جهان نما می شوند. شب را توقف کرده، روز چهارم ماه مذکور بعد از ظهر از گدوک صندوق سرازیر بایکصد و بیست نفر عده سوار زبده و جنگی به سمت جعفر بائی وارد به منزل نفس سردار می شوند.

## نمره ۳۳

۱۲ اکتبر ۱۹۲۲

## درباب قتل

شب ششم ماه اکتبر تراکمه اتابائی در قریه اجابن بك فرسخی شمالی رفته مشغول سرقت کنجد بودند. يك نفر رعیت بی اطلاع برای محافظت می رود. ترکمانها او را تیر نموده به قتل رسانیده تفنگ او را بردند.

## درباب خبر

منتشر است چون دولت سویت روسیه با عثمانیها اتحاد نموده اند لهذا بدملاحظه روابط با دولت ایران خطوط ترکستان را واگذار به انورپاشا کرده اند. ترکمانها از این مقدمه بشاش و خوشوقت شده اند.

## درباب سرقت

شب هفتم ماه مذکور چند نفر ترکمان اتابائی به قریه زنگی محله يك فرسخی مغربی دزدی می روند اهالی قریه خبردار شده ترکمانهای سارق فرار کرده يك نفر در کاریز افتاده او را گرفتند چوب مفصلی زده ورهامی نمایند.

## درباب ورود قزاق

در چهارده کلاته دامغان سیصد نفر قزاق زبده از امیر مؤید و اتباعش ۲۹۶ سنگر بسته و جلوگیری می نمایند. ورود امیر مؤید نزدیکی سنگر قزاق شلیک تفنگ نموده چند رأس اسب سقط شده و چند نفر سوادکوهی مجروح [و] چهار نفر قزاق مقتول [و] چند نفر صاحب منصب مجروح شده، پسران امیر مؤید با کمال رشادت و جلالت از سنگر قزاقها رد می شوند و از راه گدوک صندوق ورود و در قریه صدن ۲۹۷ دو ساعت توقف کرده و به اوپه نفس سردار می رود. وعده قزاق مزبور ۲۹۸ از راه گدوک به سمت میان دره يك شب در شاهده اطراق نموده وارد شهر می شوند. ضمناً سی و پنج نفر قزاق از طرف حکومت جلیله برای جلوگیری متمرکب دولت مأمور بوده می روند به قریه صدن ۲۹۹ [رفتند] چند نفر رعیت بیگناه را چوب بسته چرا از امیر مؤید جلوگیری نکردید. پنجاه دانه مرغ از رعایا گرفته و چند قبضه تفنگ آنها را گرفته مراجعت نمودند.

۲۹۶- اصل: اتباش.

۲۹۷- ظاهراً صدن رستاق منظور است.

۲۹۸- اصل: مذبور.

۲۹۹- ظاهراً صدن رستاق منظور است.

### درباب امیر مؤید

ورود به اوبه نفس سردار که با هم سابقه دلبستگی داشتند بیست عدد الاجیق با سیورسات ۲۰۰ اردو از طرف نفس سردار به ایشان داده می شود. فوراً به طوابع یموت اعلان داده و رؤسای جعفربائی را احضار [کرده] از روی قاعده و معقولیت چندین پاکت به علماء و حکومت و مستشارالدوله مأمور سیاسی سرحدی نوشته می فرستد که امیر مؤید با پسرانش یاغی دولت نمی باشند. فقط اسلحه خود را نمی دهند، و حال که پناهنده بد جعفربائی گردیده اگر دولت ایران عرض اینجانبان را بپذیرد از امیر مؤید صرف نظر نمایند که بی تقصیر است والا طایفه یموت کلیه جاناً و مالا حاضرند تا زمانی که امیر مؤید با پسرانش پناهنده اند دفاع نمایند و پاکت هاراهم نهم ماه اکتبر به شهر فرستادند. تاچه اقتضا کند.

### درباب ورود

یازدهم ماه اکتبر برای ورود محمدحسین خان سرتیپ یک عده قزاق استقبال نموده مقارن ظهر وارد به دارالحکومه گردید.

### نمره ۳۴۰

۱۹ ماه اکتبر ۱۹۲۲

### درباب قتل

دوازدهم ماه اکتبر خبر رسید تراکمه طایفه اتابائی وایلغی دونفر رعیت را درقریه ترنگ تپه به قتل رسانیده، سربیک نفر را بریده به صحرا می برند.

### درباب ورود

عادل الدوله ۲۰۱ رئیس عدلیه قزوین را برای تفتیش عدلیه استرآباد و خط خراسان فرستاده اند. یک ماه در استرآباد توقف خواهند نمود.

### درباب اهالی شهر

به عرض رفته بود اهالی شهر چند فرقه می باشند. اینک ضدیت علماء علنی ۲۰۲ شده، یک دسته مساعدت حاج شیخ حسین وکیل را به عنوان معارف خواهی دارند، مگر دسته آقامیرزا مهدی مجتهد [که] بر علیه حاج شیخ حسین رفتار [می نمایند]. به توسط

۳۰۰- اصل، صورسات.

۳۰۱- اصل: عادل الدوله. (تصور می کنم عادل الدوله جوان باشد که بعدها مستشار دیوان کشور

شده است.

۳۰۲- اصل: علناً.

واعظین منابر معارف خواهان استرآباد را تکذیب و ثابت می‌نمایند که عقیده مذهبی ندارند.

### درباب وین اشتراکها

به عرض رسانیده است: یوسف‌خان عون‌الملکی مشهور مترجم بالشویکها از سفارت طهران دستور [داردو] وارد به قونسرخانه شده‌اند. چند روز است حاج‌میرزا محسن‌خان مدعی العموم وارد در مذاکرات ایشان گردیده از قرار مذکور [از] شش نفر معروض دونفر زن بوده آنها را مرخص نمودند. چهارنفر مرد می‌باشند. چون حکومت مرعوب قونسول روس [است] امر کرده اداره نظمیه چهارنفر را حبس دارند. همه‌روزه از آنها استنطاق می‌نمایند. هزار تومان مدعی به‌چهل‌هزار تومان رسیده است. ناران<sup>۳۵۲</sup> مصام تبعه آلمان - وانسرتیک تبعه فرانسه - سکالف تبعه لهستان - تسکویچ تبعه روس می‌باشد.

### درباب وزیر جنگ

پانزدهم ماه اکتبر در استرآباد منتشر گردید مجلس ملی برای خاطر<sup>۳۵۲</sup> قوام‌السلطنه، وزیر جنگ را مجبور کرده است که مستعفی<sup>۳۵۵</sup> بشود. از تبریز شرحی علماء و مجتهدین به علمایان استرآباد تلگراف کرده‌اند که ماها امروزه مثل رضاخان وزیر جنگ شخص فعالی<sup>۳۵۶</sup> نداریم و حکماً ابقای او را خواهانیم. عده‌ای از علماء بلد به ریاست آقامیرزا مهدی مجتهد تلگرافی به مجلس نموده‌اند که ابقای وزیر جنگ را می‌خواهیم. ضمناً محمدحسین‌خان سرتیپ رئیس قشون با عده‌ای صاحب‌منصبان نظامی تلگرافی به وزیر جنگ می‌نمایند [اگر] مراتب مقدمه استعفا صحت داشته باشد نظامیان متحد‌المال<sup>۳۵۷</sup> تادروازه طهران را غارت خواهند کرد. جواب فوری از طرف وزیر جنگ رسیده بر حسب دستورات سابقه رفتار [کنیدو] ساکت باشید. تاچه اقتضا کند.

## نمره ۳۵۵

۲۶ اکتبر ۱۹۲۲

### درباب کمیسیون ایران

به عرض رسانیده بود کمیسیون دولت ایران به ریاست آقای مستشارالدوله که

۳۵۳ - (= بارون).

۳۵۴ - اصل: خواطر.

۳۵۵ - اصل: مستوفی.

۳۵۶ - اصل: خیالی.

۳۵۷ - اصل: متحد‌المعال.



مدتها وزیر عدلیه بوده منعقد [و] از راه مازندران وارد به استرآباد [شده] و در باغ مرحوم عباس خان چادر زده توقف دارند. انعقاد کمیسیون قرارداد با دولت روس است که حدود نواحی بحر خزر را بین روس و ایران علامت بگذارند. لکن کلیه ایرانیها عقل معاش که ندارند مطابق وزیر ایران باعده [ای] اجزاء محترم [و] شصت بار چادر [و] دستگاہ و مبل و اثاث وزارتی، یک نفر نایب دویم سفارت با دو نفر اجزاء و سه دانه کهنه چادر معین نموده اند بروند تعیین حدود نمایند. ۲۰۸ معزیه برای انقلابات سرحدی و گرمی هوا تا به حال حرکت نکرده اند. دولت ایران پنجاه هزار تومان مخارج کمیسیون را نقد به مستشارالدوله داده علاوه در هر بلدی روزی صد تومان فوق العاده دولت می دهد. نمایندگان روس هم در قونسولگری منزل دارند. حرکت ایشان از راه گموش تپه و حسینقلی و چکشلر خواهد بود. هر آینه چندی تکدر نقص قرار داد بنمایند ممکن است روسها بگویند گماشته ما اجازه نداشته، لکن دولت ایران نمی تواند بگوید وزیر مملکت ما اجازه نداشته است. تاچه اقتضا کند.

#### درباب ورود

ایضاً روز هشتم ماه اکتبر یکصد و بیست نفر قزاق پیاده با یک دسته موزیکانچی وارد به استرآباد گردیده. محمد حسین خان رئیس قشون اعلان به طوایف یموت نموده ششصد سوار ماهی شاترده تومان حقوق می دهد، تاکنون سی نفر از قرقچی آمده سان داده و نفری هشت تومان حقوق پاترده روز را مساعده گرفته اند. تاچه اقتضا کند.

#### نمره ۳۶۵

۹ نوامبر ۱۹۲۲

#### درباب کمیسیون

بیست و هشتم ماه اکتبر مستشارالدوله وزیر باعده کمیسیون و کار گزار برای تماشا کردن آق قلعه خرابه رفتند. مقارن غروب مراجعت نمودند.

#### درباب اسمعیل خان

تراکمه جعفر بائی در نگاهداری مستشارالدوله جدیت کامل دارند. مذاکره شده است هر آینه وزیر جنگ بخواهد به قوه مجریه اسمعیل خان را جلب نماید ترکمانها فوراً او را بالتکا [به] روسیه خواهند فرستاد. لهذا وزارت جنگ تلگرافی نموده است سردار رفیع از هزار جریب آمده برای اصلاح بین مشغول مذاکره می باشند. تا چه اقتضا کند.

### درباب قتل

غره ماه نوامبر خبر رسید يك نفر ترکمان طایفه داز در قریه نوده مهمان بوده اهالی قریه به تحریک و کیلالتجار بر علیه حاجی محمد مهدی، ترکمان را تیر زده مشرف به موت است.

### درباب کمیسیون

چون حرکت کمیسیون تعویق افتاده است از ناحیه روسها می باشد. بامستشارالدوله قرارداد داده اند مطابق اجزاء کمیسیون ایران روسها اجزاء بفرستند. فقط يك نفر نایب دویم است بایک نفر ارمنی مترجم و سه نفر نوکر، به این لحاظ کمیسیون مزبور معوق مانده است.

### درباب «وین اشترکها»

چند روز است در عدلیه حاضر نمی شوند و طفره می دهند. مدعی العموم می گوید اظهارات «وین اشترکها» در این مدت چیزی را ثابت نمی کند. معلوم است بهانه جوئی دارند. مأمورین عدلیه را اتصالاً در فشار داشته میل دارند آنچه عقیده ایشان است عدلیه رفتار و حکم نمایند.

### درباب سوار

رئیس قشون یکصد و پنجاه نفر از طایفه اتابائی و قرچی را به عنوان سوار در شهر حاضر کرده ماهی شاترده تومان حقوق می دهند. روزها تراکمه را مشق می دهند. تا چه اقتضا کند.

## نمره ۳۷۵

۱۶ ماه نوامبر ۱۹۲۲

### درباب قتل

دهم ماه نوامبر خبر رسید يك نفر ترکمان طایفه جعفر بائی در کرده مجلد آمده بایک نفر سیدی که سابقه دوستی داشتند تزویر می نمایند، به اتفاق می روند در جنگل بسخو داشته يك مرتبه شلیک تفنگ نموده سید را مقتول [می سازند] و مال هم سقط می شود.

### درباب «وین اشترکها»

وکیل رسمی مزبور ۲۵۹ بعد از گرفتن سوادهای استنطاق را از عدلیه روز دوازدهم در محکمه بدایت از عموم اجزاء ایرادات زیادی کرده و سوء ظن حاصل می نماید.

مدعی العموم ایرادات آنها را نقض می نماید. جواب می دهند در محکمه شما از عموم اجزاء ایراد و سوءظن حاصل کرده اند. به کدام سند این سوءظن را یا از رئیس باید داشت یا از عضوی یا از مدعی العموم. کدام است نتوانسته اند جواب بدهند. قرار شد برای رسیدگی بروند بندر جز. تاچه شود.

### درباب قتل

ایضاً کدخدای قریه قلی آباد سد فرسخی مشرقی در صحرا يك رأس گاو ترکمان را کشته مشغول پوست کردن بوده، ترکمانها رسیده کدخدارا به قتل رسانیده رفتند.

### درباب سرقت

شب ۱۴ ماه مذکور سوارهای ترکمانی که مستخدم اداره قشونی شده عده ای در مرخمی بوده در اوبه باشند، به شهر آمده دو رأس گاو از عصارخانه سرقت می برند.

### درباب امیر مؤید

چون علمایان استرآباد به اتفاق قضات و خوانین جعفر بائی تلگرافی مفصلی برای رعایت اسمعیل خان امیر مؤید کرده بودند [از] وزیر جنگ پانزدهم ماه نوامبر جواب رسیده برای اصلاح کارهای امیر مؤید نماینده از طرف دولت به استرآباد می آید که اطمینان به اسمعیل خان امیر مؤید بدهد به اتفاق به طهران آمده هر نوعی که عقیده مشارالیه باشد منظور خواهد شد. تاچه اقتضا کند.

## نمر ۳۸۵

۲۷ نوامبر ۱۹۲۲

### درباب عدلیه

به واسطه نرسیدن حقوق اجزاء و اجحافات ادیب السلطان رئیس عدلیه چنان هرج ۲۱۰ و مرجی است هر کس وارد بشود در عدلیه خیال دارند کفش و کلاه آنرا هم غارت نمایند. اگر از طرف دولت رسیدگی به اعمال رئیس عدلیه نشود اهالی شهر، علماء و تجار طرفیت خواهند نمود. عادل الدوله ۲۱۱ مفتش هم چندی برای تفتیش آمده ایشان هم از گرفتن وجه رشوه ابدأ فروگذار نکرده مقداری پول تحصیل نموده از راه بندر جز عزیمت به طهران نمودند. تاچه اقتضا کند.

### در باب قتل

هیجدهم ماه نوامبر درگموش تپه صبحی دیدند نعلش يك نفر مقتولی [که] کشته بودند معلوم بوده تازه وارد شده حکمت می کرد به قتل رسیده. نعلش او را بیرون اوبه انداخته مقداری وجه داشته برده اند.

### در باب خبر

ایضاً ترکمان ساکن گموش تپه سابقاً وارد به منزل می شود يك نفر ترکمان ساکن حسینقلی باعیالش صحبت می کرد سوءظن نموده هر دو را باتفنگ مقتول [ساخته] اسب خود را سوار شده فرار می نماید.

### در باب کمیسیون

مأموریت کمیسیون مستشارالدوله، به موجب قرارداد باروسها خیال داشتند حدودی مابین دولت ایران و روس مشخص نمایند و دو نقطه سرحدی راهم تلگراف بکشند. يك رشته از راه گموش تپه به حسینقلی و يك رشته از راه فندرسک و گنبد قابوس و چاتلی و تأخیر حرکت به واسطه حاضر نشدن روسها بوده که از قرارداد خودشان با دولت ایران استنکاف ورزیده نظرات دیگری را دارند و برای حرکت کمیسیون حاضر نمی شوند. گمرک زیادی برای حمل مال التجاره که از ایران به روسیه می رود بسته اند. من جمله پنبه ترقی نموده باری بیست تومان در بندر جز فروخته شده که هفت پوط ونیم باشد. روسها از يك بار سی تومان گمرک می خواهند. تاچه اقتضا کند.

### در باب سرقت

شب بیست و دویم ماه مذکور سوارهای دولت ساکن اتابائی به شهر آمده خانه راشکافته سه رأس گاو سرقت کرده اند.

### در باب روسها

بعد از ایرادات و کیل قانونی اداره «ویناشترکها» در عدلیه و رد کردن آن ایرادات را مدعی العموم قرار شد به اتفاق قونسول و متهمین و مدعی العموم و مستنطق و مدعی تماماً بروند در بندر جز تحقیقات محلی ۲۱۲ بنمایند. بعد از دوسه روز و کیل قانونی اداره «ویناشترکها» خود را به دیوانگی می زند و استنکاف نموده فراراً به طهران رفتند. متهمین راهم مدعی العموم آزاد کرده است. و مراجعت به استرآباد نموده است.

## نمره ۳۹

۴ ماه دسمبر

### درباب چپاول

روز ۲۸ ماه نوامبر سه نفر ترکمان اتابائی در جنوبی شهر دونفر رعیت زیارتی را لخت کرده دو رأس مال آنها را بردند.

### درباب سوار تراکمه

تراکمه‌ها برای گرفتن پول از حکومت استرآباد دسته‌دسته با گاریچیها و دزدو غیره در شهر آمده با مالهای کرایه سان داده نفری هشت تومان می‌گیرند، من جمله بیست و پنج نفر طایفه جعفربائی با دونفر صاحب‌منصب با رئیس قشون و حکومت قرار داده به طهران بروند. چند روزی در شهر توقف و روزها عشق می‌کردند. برای آنها لباس تهیه نموده که بروند. بعد از گرفتن پانصد تومان حقوق شبانه فرار کرده به صحرا رفتند.

### درباب مستشارالدوله

چون به قرب هشتاد بار آذوقه به گموش‌تپه روانه کرده بودند، لهذا با روسها مذاکره برای حرکت می‌نمایند. جنرال ۲۱۲ روس می‌گوید شما بروید ما در بندر جز کاری داریم، مراجعت از بندر جز به شما ملحق خواهیم شد. چون سفارت روس تلگرافاً به قونسول خبر داده است قرارداد دولت ایران با روسیه لغو شده است روسها علناً ضدیت و برای حمل مال التجاره از دولت ایران جلوگیری و گمرک فوق‌العاده مطالبه می‌نمایند و منتشر است که مأمورین سیاسی روس با مستشارالدوله برای تعیین حدود حاضر نخواهد شد. تاجه اقتضا کند.

### درباب ورود

سلخ ماه نوامبر میرزا سید عبدالله خان رئیس مالیه سابق استرآباد با ماهی سیصد و پنجاه تومان حقوق مراجعت نموده از راه دریا وارد به استرآباد شدند.

### درباب ورود

غره ماه دسمبر سیف‌الله خان برادر زاده اسمعیل خان امیر مؤید وارد استرآباد گردیده، روزسیم ماه مذکور با دونفر نماینده از طرف حکومت به او به نفس سردار رفتند که اصلاح بنمایند. تاجه اقتضا کند.

### درباب سرقت

شب ۴ ماه دسمبر تراکمه طایفه اتابائی توی شهرآمده کاروانسرای حاجی مهدی راشکافته شش رأس قاطر مکاری را به سرقت می‌برند. تاجه اقتضا کند.

### نمره ۴۵۵

۱۵ ماه دسمبر ۱۹۲۲

### درباب چپاول

ششم ماه دسمبر خبر رسید يك عده از تراکمه وارد صحرای کمالان کتول شش فرسخی [شده] بسخو داشته مکاری شاهرودی که برنج حمل به شاهرود می‌کردند چهل رأس مال را برنج را چاپیده يك نفر را هم به قتل رسانیدند.

### درباب قتل

برای کشتن يك نفر سید چهل نفر پیاده از کردمحل به جعفربائی می‌روند. يك نفر بچه را مقتول [ساخته] چهل رأس گاو میش و مال چپاول کرده آوردند.

### درباب چپاول

قرای کتول سالی پنجاه خروار شالی به عنوان ساخلوئی به طایفه داز و دویچی می‌دادند. امسال را با طایفه قرقچی قرارداد کرده، طایفه مذکور لجاجت کرده عده سواری به کتول می‌روند. نهصد گاو چپاول کرده بردند. طایفه قرقچی هم عده سواری به اتفاق علی اکبرخان کتولی و سیصد نفر پیاده در داز اردو انداخته یا گاو را بدهید یا نزاع نمائید. چون یاغیها کمتر بوده پیرمردهای طایفه جمع شده گاوهارا گرفته مسترد نمودند، و چهل رأس گاو را تفریط کرده و کشته بودند.

### درباب قتل

به قرب صدنفر زن و مرد ارومیه سه سال است متواری شده در استرآباد توقف داشته، کسب معیشت می‌نمایند. [یکی از آنها] روز دوازدهم، شمالی شهر رفته برای مال خود علف بیاورد تراکمه جعفربائی او را به قتل رسانیده الاغ او را بردند.

### درباب قتل

ایضاً يك نفر بارفروش از گموش تپه مال التجاره حمل به استرآباد می‌نماید. بین راه ترکمان عرابه‌چی او را مقتول [ساخته] و مال التجاره او را می‌برند. پدر مقتول به

استرآباد آمده عارض است.

#### دربا بامیر مؤید

به عرض رفته بود سیف الممالک برای اصلاح آمده به اتفاق نماینده حکومت به او به نفس سردار می‌روند. امیر مؤید قرارداد کرده است که شخصاً برود به کربلای معلی مجاور بشود. يك پسر او را در سوادکوه برای سرپرستی مواشی و املاك بگذارند و پسر دیگر راهم [به] نوکری اختیار نمایند. تاچه اقتضا کند.

#### درباب مستشارالدوله

مشارالیه در گموش تپه کمیسیون را منعقد و چادر زده توقف دارند. تاچه اقتضا کند

### نمره ۴۱۵

۲۲ دسمبر ۱۹۲۳

#### درباب اسیر

شانزدهم ماه دسمبر خبر رسید تراکمه طایفه جعفر بائی آقاسید محمود روضه خوان را دو فرسخی مغربی اسیر کرده بردند. بدتوسط آقامیرزاهادی پنجاه تومان وجه، يك بار برفج برای نفس سردار فرستاده شده، مشارالیه را خریداری نموده آوردند.

#### دربا بقتل

ایضاً خبر رسید پسر شیخ صالح ساکن کفشگیری يك نفر رفیق خود شیخ محمدنام را بدون سابقه به قتل رسانیده فراراً به جعفر بائی می‌رود پناهنده می‌شود.

#### درباب نزاع

مستشارالدوله در گموش تپه ساکن است. اسمعیل خان سلطان با چهار نفر قزاق برای شغلی به گموش تپه می‌رود. ده نفر قزاق و يك نفر صاحب منصب هم از طهران برای توحیه مستشارالدوله همراه آمده قراول باشند. اسمعیل خان بدون اطلاع به سمت چادر مستشار الدوله می‌روند. قزاق قراول مانع از رفتن ایشان می‌شود. قزاق را سیلی می‌زنند. آدمهای مستشارالدوله بدحمایت قزاق قراول ریخته کتک زیادی به اسمعیل خان می‌زنند. خبر به اداره قشونی رسیده مجدداً يك نفر صاحب منصب برای اصلاح به گموش تپه فرستادند.

#### درباب قتل

شب هیجدهم ماه مذکور در قریه نودیجه رعیتی را پهلوی عیالش به قتل رسانیدند.